



دو هفته نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی  
انجمن اسلامی مستقل دانشگاه علامه طباطبائی

## ● زندگی با طعم دانشجویی

اصول صحیح و دقیق زیست دانشجویی

همچنین در این از شماره سحر همراه شوید با:

مزایا و معایب آموزش مجازی

تجربه نگاری فعال سابق دانشجویی

باید و نبایدهای زندگی دانشجویی

# ورودی نامه سحر صحبت‌های خودمونی مستقلی‌ها



۴



۱۲



۱۷



دو هفته نامه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی  
انجمن اسلامی مستقل دانشگاه علامه طباطبائی

## شماره ۳۰

هفته دوم آبان ماه ۱۳۹۹

### فهرست مطالب

زندگی با طعم دانشجویی  
اصول صحیح و دقیق زیست دانشجویی

استاد صدارت!  
در مزایا و معایب آموزش مجازی

دوران کارشناسی خود را چگونه بگذرانیم؟!  
تجربه نگاری فعال سابق دانشجویی

دانشجو نباید سبب زمینی باشد  
باید ها و نبایدهای زندگانی دانشجویی

### کلام امام

دانشجو نقش آفرین است؛  
هم در زمان حال و هم  
نسبت به دوران آینده؛  
فردای کشور.

۱۳۸۷/۰۹/۲۴

## پله نوردی؛ ورزش تخصصی دانشجوها

اگر تصور از دانشگاه اینه که یه روزی بین راه پله‌ها یکی بخوره بهت و جزوه‌ها ت بریزه و بشه داستان لیلی و مجنون، باید بگم سخت در اشتباهی. وقتشه که دیگه به خودت بیای و به تعداد پله‌های روبه روت نگاه کنی تا عشق و عاشقی از یادت بره.

فکر کردی میتونی از آسانسور استفاده کنی؟ نه بابا این آسانسور فقط برای اساتید و از ما بهتروناست و اینم بدون که فقط با کارته مخصوصه اونا کار میکنه، فلذا خیلی تلاش نکن؛ ما طفلیا حق داریم فقط از پله‌ها تردد کنیم.



اما خوب اینو هیچ وقت یادت نره، که یه دانشجو همیشه یه راهی پیدا میکنه، همون شعاره همیشه "دانشجو میمیرد ذلت نمی پذیرد". حالا جدا از شوخی، اگر خدایی نکرده واقعا نمیتونی از پله‌ها تردد کنی، با مدارک پزشکی میتونی کارت بگیری و بشی جزو مرفهین بی درد؛ ولی قول بده مارو دور نندازی و سوارمون کنی.



## زندگی باطعم دانشجویی

اصول صحیح و دقیق زیست دانشجویی

فاطمه کدخداریستم (دبیر دانشکده ادبیات)

خوب اگر دیگه کابوسه رتبه کنکور و رشته ای که قرار بود قبول بشی تموم شده، باید بگم سلام بر دانشجوی مملکت؛ خوش اومدی به دنیای عجیب ولی قشنگه دانشجویی. درسته که الان همه چیز مجازی شده ولی دلیل نمیشه که من از فضای دانشگاه نگم برات.

بین دوست عزیز، اینجا هم باید درس بخونی ولی نه به اون شکلی که تا الان میخوندی. ما اینجا تکلیف فردی نداریم، کار فقط گروهیه "علی برکت الله". اینجا قرار نیست همه جزوه بنویسن؛ یه سریا جزوه می نویسن بقیه استفاده می کنن. ولی اینو بدون که اینجا خبری از جزوه چهار رنگ نیست، قانون اینه، پسرا فقط با آبی، اما ما دخترا با ارفاق، دو رنگه می نویسیم، بین، دو رنگا! نکنیش چهار رنگ، بشی مسخره خاص و عام.

خب دیگه جونم برات بگه که اینجا خبری از معاون پرورشی و ناظم و... مدرسه نیست؛ اینجا ما کلی مسئول داریم مثل مسئول آموزشی، کمیته انضباطی و... اما این برای وقتیه که تو کاری نداشته باشی ولی خدا نیاره اون روزی رو که کارت گیر کنه. باید بگم که چون همه دستورات از بالا، صبح جمعه میرسه، پس هیچکس پاسخگو نیست.



محوطه بیرونی پردیس مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

اینم بگم که تو دانشگاه لازم نیست برای همه واحدها کتاب بخری؛ اکثر درسا، کتاباشون تو کتابخونه هست که راحت می‌تونی با شماره دانشجوییت امانت بگیری و استفاده کنی. حالا از تموم حرفا و شوخیا که بگذریم، الان تو یکی از بهترین دانشگاه‌ها قبول شدی؛ پس قدر خودتو بدون و برای رسیدن به بهترینا تلاش کن.

**یادت نره: "زندگی معرکه‌ی همت‌ماست".**



یک عدد کلاس



اینجا چیزی به عنوان  
زنگ تفریح نداریم،  
زمان بین کلاسارو بهش می‌گن  
آنتراک؛ تکرار کن، "آنتراک"  
نگی زنگ تفریحا!

### مترو، بی‌آرتی، انقلاب

فعلا که متاسفانه یا خوشبختانه دانشگاه‌ها تعطیله و خبری از بی‌آرتی‌ها و متروهای شلوغ نیست، ولی اینو بدون خط بی‌آرتی مسیر دانشگاه اصلا قابل مقایسه با هیچ خطی نیست، البته با اون دوستان که مسیرشون بالا شهره کاری ندارما... اگر فکر می‌کنی می‌تونی رو صندلی بشینیو کتاب بخونی، اشتباه می‌کنی. آدمایی می‌تونن بشینن رو صندلی‌های مترو و ... که سرعت عملشون درست مثل ساعت هشته صبح روز انتخاب واحده؛ یعنی تا به خودت بیای می‌بینی نوشته "ظرفیت تکمیل و من الله توفیق". پس سعی کن رو سرعت عملتم کار کنیا!

### سلف، و ما ادراک سلف

خوب حالا بیا یکم در مورد سلف و غذاهاش بگم برات. اینجا سلفه؛ مهم نیست تو الان گشنته یا نه، مهم اینه الان باید با سریع‌ترین سرعت ممکن بری تو صف وایسی، چون خیلی شلوغه و خلوت دیدن سلف از اتفاقاته نادره. از غذاهاشم بخوام بگم واقعا بد نیست، اما خوب اینم بدون غذاهای دانشگاه چاشنی هاش با غذاهای مامانت فرق داره؛ پس اگر غذاهای دانشگاه و خوردی و طعمش مثل غذای مامانت نبود خیلی تعجب نکن به خاطره ادویه‌های دانشجویی شه.



### سلف پردیس مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی



### دایرةالمعارف دانشجویی

در مورد فرهنگ کلاسای اینجا باید بگم که یکی از قوانین اینه که اگر استاد تا بیست دقیقه دیر بیاد دیگه ما نیستیم سر کلاس؛ همون قضیه‌ی عید دیدنی‌های ما ایرانی‌هاست که نامه می‌نویسیم "اومدیم نبودید" متنها اینجا نامه نمی‌نویسیم، طی یه عملیات از قبل تعیین شده همه متفرق می‌شیم، البته این برای وقتی که اتحاد پشتش باشه پس حواست باشه یهو غیبت نخوریا!

اینجا چیزی به عنوان زنگ تفریح نداریم، زمان بین کلاسارو بهش می‌گن آنتراک؛ تکرار کن، "آنتراک" نگی زنگ تفریحا! اینم حواست باشه اینجا دیگه خبری از اقا و خانم صدا زدن معلما نیست، اینجا همه یا استادان یا دکتر، ولی مراقب لحن صدا زدن باش؛ شاید با صدای ناز که دخترا بشه کنار اومد، ولی با صدای کلفت رو به نازک پسرا که می‌خوان بگن "استاددد" شرمندم، ولی با این اصلا نمی‌شه کنار اومد. این کلکا برای نمره گرفتن دیگه قدیمی شده!

از تفاوت دانشگاه و مدرسه هم می‌تونم بگم که اینجا کسی برای نمره گرفتن درس نمی‌خونه؛ یعنی کیفیت برامون مهم‌تر از کمیت. پس دنبال نمره نباش و بدون ده هم نمره‌ی خیلی خوبیه.

**۱- خدا حافظ پشت در اتاق اساتید ماندن ها****سلام بر پیام های دیده نشده ی استاد در واتساپ!**

خوبی کلاس های حضوری این بود که سر کلاس اگر متوجه درس نمی شدیم، یا استاد از حالت علامت سوال چهره مون متوجه می شد و مطلب رو تکرار می کرد یا خودمون دست به کار می شدیم و سوال می پرسیدیم. حالت سومی هم بود که بعد کلاس با استاد راهی می شدی تا به جواب برسی. اما الان، یه ذره شبیه حضوری میشه سوال پرسید... اما دیگه استاد بعد کلاس راه نمیره که پشت سرش راهی بشیم. ولی اگر از پیگیرهای روزگار باشی، میری پیام میدی به استاد. امید است، پیام هیچ دانشجویی دیده نشده باقی نماند.

**۲- خدا حافظ رونویسی از تخته****سلام بر بارگیری فایل استاد**

شاید یه خورده بهتون سخت بگذره در این آموزش مجازی، ولی همچین بی منفعت هم نیست. دوران دبیرستان به اندازه ی کافی ما رو برای تند نویسی آماده کرده و امروز میوه ی این تند نویسی رو باید سر کلاس های حضوری می چیدین. دیگه قسمت نشد، خوشحال باشید که وقت این جزوه نویسی های حضوری الان به تدریس و رفع اشکال در آموزش مجازی اختصاص داده میشه. برنده الان شماست که بایه کلیک جزوه تو مشت تونه

# استاد صد ا رفت!

## در مزایا و معایب آموزش مجازی

مژده فرمانی (دبیر آموزش انجمن)

استاد: بچه ها صدا هست؟  
دانشجویان: بله..بله استاد خوبه ... بله ...

بیست دقیقه بعد!

دانشجویان: استاد صدا رفت... نه فکر کنم کلا استاد رفتن... نه بابا استاد هستن، ببین؛ صدا نیست.

احتمالا از این به بعد روزی سه نوبت صبح، ظهر، عصر شاهد این دیالوگ ها خواهید بود

راستی! سلام. موفقیت شما در کنکور کرونایی امسال را تبریک میگیریم. به بزرگ ترین دانشگاه علوم انسانی کشور خوش آمدید.

در ادامه سعی داریم که شما را با تفاوت آموزش حضوری و مجازی آشنا کنیم



**۵- خدا حافظ چرت زدن های سر کلاس****سلام بر بیداری**

دو تا زمان طلایی داریم در دوران دانشجویی. نه... فکر نکنید از نظر تحصیل و درس میگما، از نظر خوابیدن این دو زمان طلایی هست. کلاس های هشت صبح و کلاس های بعد از نهار. صبح به خاطر زود بیدار شدن دانشجوها چرت میزنن، بعد نهار هم که می دونید چرا. مخصوصا دوغم باشه و...

در آموزش مجازی برخی از دوستان، ۸ صبح رو می خوابن اما سر کلاس حاضرن!

پیشنهاد می کنم این کار رو نکنید؛ چون اساتید در این چند ماه، از ماها هوشیارتر شدن و چند دقیقه یکبار حضور غیاب می کنن.

استاد: بچه ها اگر پای دستگاه هستید یه بله بفرستید.

دانشجویان: بله. بله. بله..... بله

استاد: یه نفر اتلایین هست ولی چیزی نگفت. فکر کنم خوابیده.

بله دیگه اینطوری میشه که غیبت می خورید.

اما برای بعد نهار باز خوابتون می گیره؛ ولی می تونید نهارتون رو دیرتر میل کنید. دیگه اینجا سلف بسته نمیشه.

**۶- خدا حافظ رویای کم درس خواندن در دانشگاه****سلام بر تمرین های تحویلی پیاپی**

از درس خواندن های دوره کنکور که خسته می شدیم، بچه ها کنار هم رویا پردازی می کردن و می گفتن که: «بذار بریم دانشگاه، دیگه درس نمی خونیم».

اینارو فکر می کردم که فقط بچه های مدرسه خودمون می گفتن که دیدم نه خیر... خیلی ها اینطوری می گن. اینجور شد که دیدم توی دانشگاه بچه ها این رویا هاشون رو اجرا کردن و تهش این شد که همون ترم اول مشروط شدن.

حالا دیگه آموزش مجازی به کمک دانشجو جماعت اومده و نمی ذاره که درس بخونیم.

به امید بازگشت به آموزش حضوری

**۳- خدا حافظ بحث و هم فکری های کلاسی****سلام بر مصائب روشن کردن میکروفون**

تورشته های علوم انسانی در دانشگاه، بحث کردن سر کلاس از مهم ترین و جذاب ترین کارهاست. متاسفانه کرونا نداشت که شما با خاطری آسوده در بحث ها شرکت کنید. مجبورید در تکاپو باشید هر جلسه که میکروفون تونو روشن کنید، اونم به موقع نه وقتی که بحث سرد شد.

**۴- خدا حافظ رنج های ورود و خروج به مترو****سلام بر آرامش خانه نشینی**

انگار می خوان در ایستگاه مقصد، کنسرو شده مون برسه به دانشگاه! /

یک همچین حالی رو بعد از پیاده شدن از مترو می تونید حس کنید.

تردد در شهر تهران هم زمان بر هست و هم یه عالمه انرژی از شما می گیره. فکر کنید صبح روز شنبه، لباس ها اتو کشیده و خیلی رسمی از منزل یا خوابگاه میاید بیرون، بعد از خروج از مترو و یا اتوبوس، تیپتون شبیه وقتی هست که عصر چهارشنبه از دانشگاه برمی گردید. همون قدر خسته و له خواهید بود.

اما در آموزش مجازی تا دلتون بخواد، وقت و انرژی ذخیره می کنید.

در کار تشکیلاتی یک حاشیه ای هست که بعضی اوقات بر متن کار غلبه می‌کند و سعی کنید مهارت‌های مختلف و مطالعات مختلف رو علاوه بر درس‌های رشته‌تون افزایش بدید.

**چه مهارت‌هایی در بستر تشکیلات یاد گرفتید؟ این مهارت‌ها جای دیگه پیدا نمی‌شد؟**

تشکیلات یکسری مهارت‌ها یاد می‌ده که جای دیگه نمیشه اون‌هارو کسب کرد. یعنی شما بعضی وقت‌ها به عنوان مثال می‌رید کارگاه یادداشت‌نویسی، سخنوری، قدرت مطالعه و ... ولی معمولاً جایی نیست که این‌ها رو ظهور و بروز بده و از این کارگاه‌ها تو دانشگاه‌ها زیاد



ا کار باید تشکیلات باشد

**از دوران کارشناسی برامون بگید**

زمان کارشناسی من به دو مقطع تقسیم میشه، چون من ورودی سال ۹۰ بودم یعنی سال تحصیلی ۹۰-۹۱ خب بالاخره دو سال که گذشت وارد تشکیلات شدم؛ یعنی دو سال خارج از فضای تشکیلاتی بودم، مثل زندگی ۹۸ درصد از دانشجویها یعنی دو سال زندگی عادی، آدم همین بره خوابگاه و درس شو بخونه و دو سال دوم زندگی تشکیلاتی داشتم. به عنوان کسی که هر جفت این زندگی رو تجربه کردم می‌تونم بگم کل زندگی شخصی و اجتماعی‌مو مدیون تشکیلات هستم چون بعضی از فعالین تشکیلی سال اول دانشگاه وارد این فضا میشن شاید یک نفر بگه تجربه کار تشکیلاتی داشته داره توصیه می‌کنه ولی من تجربه جفت‌شو داشتم. حضور در تشکیلات باعث شد مهارت‌های زیادی رو کسب کنم

**بهترین فرصت دوران کارشناسی چیه؟**

توصیه من اینه که دوران کارشناسی صرف درس نباشه و سعی کنید ابعاد مختلف شخصیتی خودتون رو رشد بدید. مثلاً هر رشته‌ای که هستید حتماً کتاب‌های حاشیه‌ای اون رشته رو بخونید و صرف مدرک جواب نمیده، مخصوصاً رشته‌های علوم انسانی که به نظرم فعالیت

# دوران کارشناسی خود را چگونه بگذرانیم؟!

تجربه‌نگاری فعال سابق دانشجویی امیر حسین رفعتی

عرفان سعادت (دبیر سیاسی انجمن)

سلام

دوست من اگر برات سوال شده که دانشگاه چه فضایی داره و چه فعالیت‌هایی می‌تونی انجام بدی، پیشنهاد می‌کنم حتماً این مصاحبه رو تا آخرش بخونی. چشم به هم بزنی دوران کارشناسی تموم شده و میگی ای کاش یکی این حرفارو به من می‌گفت؛ پس سعی کن به دقت تا آخرش بخونی، خیلی زمان زیادی ازت نمی‌گیره ولی عوضش برای خودت نقشه‌ی راه داری. این داستان واقعه و تخیل نویسنده یا کارگردان نیست!

**خودتونو معرفی کنید**

بسم الله الرحمن الرحيم

امیر حسین رفعتی هستم، متولد سال ۱۳۷۲، بچه‌ی میشد، ورودی سال ۹۰ رشته‌ی مکانیک دانشگاه بیرجند و ورودی سال ۹۵ رشته اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی (ره). تقریباً سه سال هست که از ازدواجم می‌گذره، یک بچه چهار ماهه دارم و در حال گذران دوران مقدس خدمت سربازی به صورت امریه‌هستم.

از اوایل سال ۹۲ وارد انجمن اسلامی دانشجویان مستقل دانشگاه بیرجند شدم و دو سال در شورای مرکزی

این دانشگاه فعالیت کردم، یک سال دبیر نشریات و یک سال هم دبیر آموزش بودم؛ یکسال هم برای آزمون ارشد خوندم و ارشد روزانه دانشکده اقتصاد علامه قبول شدم. در مقطع ارشد یکسال به صورت غیر رسمی دبیر انجمن اسلامی دانشجویان مستقل بودم و دو سال هم به صورت رسمی، سال اول دبیری انجمن دانشگاه علامه طباطبائی (ره) همزمان عضو شورای مرکزی اتحادیه انجمن اسلامی دانشجویان مستقل کشوری هم بودم.

خیلی بهتر مدیریت کنم و هم رفتارهای شخصی‌م و همچنین برخورد‌های اجتماعی‌م تحولی ایجاد بشه، یعنی در زمان کارشناسی فعالیت من درس یک جزش بود. مثلاً در زمان کارشناسی که من در رشته سختی مثل مکانیک بودم، هم کار تشکیلاتی انجام دادم و هم درس رو می‌خوندم، بین شصت نفر رشته‌مون، سوم یا چهارم بودم حتی افرادی از من هم بهتر بودن یعنی جز نفر اول یا دوم کلاس بود و هم‌زمان دبیر انجمن مستقل اونجا هم بود و موارد زیادی اینطوری هستند. در این هفت سال کار تشکیلاتی ندیدم کسی به خاطر کار تشکیلاتی درسش ضعیف باشه ولی بعضی افرادی هم بودند که تو رشته‌شون علاقه نداشتند و به طبع هم در درس ضعیف بودند، موارد زیادی دیدم که رشد کنند ولی برعکس شو ندیدم حتی یک مورد استثناء هم نبوده. از طرفی با مهارت‌هایی که در دوران کارشناسی در تشکیلات کسب کردم در تحصیلات تکمیلی به من خیلی کمک کرد.



### تشکیلات چه تغییری روی شما گذاشت؟

جنس دغدغه‌هام عوض شد، آدم می‌بینه بعضی وقت‌ها که افراد میان داخل تشکیلات برای گذشته‌ای که داشتند خیلی متعجب میشن؛ به شخصه خودم در فضای مناسبی نبودم و ارزش‌های زندگی‌م رو بعضاً اشتباه فهمیده بودم برای همینم میگم افرادی که میان داخل تشکیلات و کار تشکیلاتی درست انجام بدن و تشکیلات اسم اسلامی به معنای واقعی کلمه داشته باشه و شاخص‌های اسلامی هم داشته باشه، یک مدتی که می‌گذره خیلی برای گذشته‌شون ناراحت میشن و از طرفی هم میگن خدا بهمون توفیق داد که در این فضا قرار بگیریم تا ظرفیت‌های خودمون رو بهتر بشناسیم.

هدفی که تو زندگی دارید حتی اگر می‌خواید درس بخونید به صورت گروهی خیلی بازدهی بیشتری دارید، من هم تو درس تجربه کردم و هم تو شغلم و هم تو مسائل مختلف اینکه کار جمعی ضریب می‌ده به کارتون؛ یعنی همون مثالی که من همیشه تو کارگاه‌ها برای سینرژي می‌زنم اینکه شما اگر یک دیوار رو تو یک ساعت رنگ می‌زنید، دونفره تو نیم ساعت رنگ نمی‌زنید تو بیست دقیقه رنگ می‌زنید، یعنی کمتر میشه و مثال‌های دیگه که به لحاظ علمی، منطقی و عقلی کار جمعی بهتر از حرکت فردی تو دانشگاه هست، خودم هم به همین دلایل کار جمعی رو انتخاب کردم.

### چطور هم درس بخونیم و هم فعالیت غیر درسی انجام بدیم؟

تشکیلات باعث میشه ظرفیت آدم رشد کنه، هر انسانی در درون خودش یک معدن بی‌نهایتی داره که بستگی داره با کارهای مختلف که با تشکیلات و اهدافی که تشکیلات داره و مدل کارش، این معادن بی‌نهایتی که در داخل ما هست استخراج بشه و ظهور و بروز پیدا کنه. تشکیلات خیلی به من کمک کرد که هم زندگی شخصی‌مو

برگزار میشه ولی خوب تشکیلات یک جایی هست که میشه این‌ها رو در بعد واقعی خودش استفاده کرد. یعنی همین که چون طیف گسترده‌ای از کارگاه‌ها برگزار میشه و از همه چیز یک بخش کوچیکی رو یاد می‌گیرید و استفاده می‌کنید. همین کارگاه‌ها که در سطح انجمن برگزار می‌شد و هم در سطح کشوری که در اتحادیه، اساتید کشوری حضور داشتند اینجا باعث می‌شد که افراد مختلف علاقه خودشون رو پیدا کنند و خود من متوجه شدم با توجه با علایق‌ام به سمت علوم انسانی و رشته اقتصاد برم.

### چرا کار تشکیلاتی انجام می‌دادید؟ اصلاً چرا باید برای اینکار وقت بذاریم؟

بالاخره هرکسی تو زندگی‌ش یک هدفی داره، یک کاری که می‌خواد انجام بده به اون هدف‌ها باید توجه کنه. یک اصل هست که از بحث‌های اعتقادی‌ش وجود داره مثلاً ما آیه قرآن داریم که توصیه می‌کنند قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَأِحْدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَى وَفَرَادَى که این از لحاظ شرعی هست و هم از نظر علمی اصل سینرژي [هم‌افزایی] هست، یعنی هر کاری شما می‌خواید انجام بدید با کار جمعی اون کار ضریب می‌خوره. با توجه به



# دانشجویان باید سیب زمینی باشد

انوشه رجبی (دبیر مالی و تدارکات دانشکده حقوق)

لحظه آماده بانگ هستن. باز هم شاید باورش برات سخت باشه که بسیاری از مشکلات و گره‌های کور به دست همین مؤذن جامعه باز میشن.

فرهیخته جان، تو دانشگاه و جامعه یک سری گره کور هست، یک چیزی شبیه به اون گره‌هایی که مامانساندویچ‌ها رو می‌بستن که فقط خودشون یا دندون مبارک ما می‌تونست بازشون کنه، که دستی برای باز کردنشون نیست، فلذا باز هم زحمت باز کردن گره‌های دانشگاه و جامعه به گردن شما دوست عزیزه. حالا سوال اینجاست روش باز کردن این گره‌ها چطوره؟

اولین راهی که ممکنه به ذهن هرکسی خطور کنه اعتراض و مطالبه‌گریه. حالا از چه طریقی؟! راه‌های متفاوتی داره، اما باید حواست باشه راهی که میری به ترکستان نباشه. یعنی قانونی، روشمند و در یک کلام «تشکیلاتی» باشه؛ یعنی دست تنها نباشه. شنیدی که، میگن «یه دست صدا ندازه».

دانشجوی عزیز! ورودت را به دانشگاه تبریک عرض می‌کنیم و سال‌های خوشی را برایت آرزومندیم. شاید به ذهنت خطور کرده که من این همه درس خوندم و دانشگاه قبول شدم، خب بعدش چی؟

ما تو این متن بهت می‌گیم قضیه از چه قراره که اول راهیه بدونی چند چندی و چی کار می‌خوای بکنی.

شاید باورت نشه که در ایران فاصله بین آموزش و پرورش و آموزش عالی فاصله به اندازه یک دهه است؛ آگه تا دیروز در حال مطالعه کتاب‌های دهه ۶۰ بودی امروز کتاب‌هایی رو می‌خونی که هنوز ویرایش جدیدش نیومده. اگر تا دیروز معلم مطالب رو براتون بصورت لایلی می‌خوند، امروز باید به نوشتن دُر و گوهرهای استاد که در هیچ کتابی یافت نمی‌شه اهتمام بورزی.

راستی می‌دونستی بهت می‌گن تاثیرگذارترین قشر جامعه؟!؟

بله، شما؛ تازه همیشه اذان هم باید بگی، می‌دونی که چون مؤذن خطابت می‌کنن، البته از اون دسته مؤذن‌هایی که قبل نماز اذان می‌گن نه، از اون دسته‌ای که در هر

الان که فارغ‌التحصیل شدید و خودتون رو با همکلاسی‌هاتون مقایسه می‌کنید، از وضعیتی که دارید راضی هستید؟

من حالا خودم رو بخوام مثال بزnm شاید اشتباه باشه ولی بچه‌های تشکیلاتی رو مقایسه می‌کنم این‌هایی که بالاخره تشکیلاتی بودن در کارشناسی و بعضاً ارشد که با همکلاسی هاشون مقایسه می‌کنم تقریباً اگر بگم با ۹۰ درصدشون قابل مقایسه نیستند اغراق نکردم؛ هم در زندگی شخصی و هم در فضای کاری که اثرگذار بودن. هر جا مشغول به کار شدن می‌خواستن این نیرو برایشون بمونه و از دستش نندن. میزان رشد قابل توجهی داشتند شاید ۱۰ درصد اون افراد هم به لحاظ رشد در ابعاد مختلف و کسب موفقیت نزدیک اینها باشند.

هر کسی که بیرون این فضا بوده به هر دلیلی با ما همراه نبودند و بعد نتیجه رو دیدند که چند سال گذشته بوده می‌گفتند ای کاش با شما بودیم. اگر بخوام مثال بزnm یک نفر در تشکیلات کارشناسی گفته بود که چرا به زور دست مارو نگرفتی ببری تو تشکیلات حتی طرف درسش هم خوب بود، شاگرد اول کلاس بودن ولی راه فردی رو انتخاب کردن و از این موارد زیاد بوده که اعتراف کردن به موفقیت خروجی تشکیلات.

## اگر به عقب برگردید دوباره همین راه رو می‌رید؟ چرا؟

من یکی از ناراحتی هام اینه که چرا همون سال اول که وارد دانشگاه شدم، چرا ترم اول نیومدم وارد انجمن بشم و این یکی از حسرت‌های زندگی منه و اگر برگردم قطعاً همین راه رو میرم. چون تشکیلات ظرفیت مارو افزایش داد که هم درس‌مون رو خوندم و هم کار تشکیلاتی کردیم و هم کلی مهارت یاد گرفتیم. این مهارت‌ها هم فقط تو تشکیلات رشد پیدا می‌کنه مثلاً افزایش صبر آدم که تو بهتر شدن زندگی خیلی تأثیر می‌ذاره.

## کلام آخر

تشکیلات همه ابعاد زندگی شما رو در بر می‌گیره، بعد فکری، احساسی، تفریحی و مهارتی و همه اینها باید با هم رشد کنه و صرف درس و کلاس رفتن همیشه همه این‌ها رو رشد داد و برید سراغ تشکیلات‌هایی که هم روی رشد فکر شما کار می‌کنه و هم احساسی و انگیزشی و مهارتی و تفریحی‌تون.

پی‌نوینس:

۱. سوره سبأ، آیه ۴۶ «بگو: فقط یک نصیحت به شما می‌کنم: به خاطر خدا دونفر دونفر یا تنها تنها و به دور از هرگونه هیاهو، عزم خودتان را جزم کنید.» (ترجمه از علی ملکی)

## دانشجو، دانشجوی باش

صدای همیشه بیدار جامعه، بدون که تنها وظیفه تو بعد ۱۲ سال، درس خواندن نیست؛ در تعریف شما فرهیخته عزیز به نوعی اجحاف شده، فردی به ذهن متبادر میشه که دائما تو مسیر دانشگاه، کتابخانه، کلاس و همایش‌های علمی در رفت و آمده - البته که اینطور هم هست - ولی وقتی اسم دانشجو میاد ناخودآگاه ذهن می‌ره سمت ۱۶ آذر و خاطره سه شهید دانشجوی دانشگاه تهران.

امروزه دانشگاه در بین دوراهی «تحصیل» و «دغدغه‌مندی» مونده. عده‌ای به اصطلاح دانشجو معتقدند، به دلیل تعدد دغدغه‌ها ان‌شالله فرجه در خدمت واحدهای درسی هستیم، عده‌ای هم به بهانه تعداد واحدها و من می‌خوام برا ارشد بخونم و حالا وقت هست و دیر که همیشه یادشون می‌ره اصلا رسالت دانشجو چی هست. این دوگانه قابل جمع هست، البته نه به این آسونی، هزینه هم داره. هزینه‌ای به اسم گذشتن از وقت، استراحت تا دم ظهر، کم کردن دوره‌های و... این جا دیگه حرفم با دانشجویهای اصلیه که تفکیک بین این دو و جمع‌شون رو خوب می‌فهمه.

دانشجویی که هم به درس‌هاش می‌رسه و هم می‌تونه به وظیفش عمل کنه؛ این رو هم بدون که غیر ممکن نیست و تجربه به ما ثابت کرده که کار نشد نداره.

### گذری کوتاه بر مستقل

حالا برای اینکه بیشتر با ما آشنا بشی من گوشه‌ای از فعالیت‌هامون رو برات به مختصر توضیح می‌دم تا بدونی که یه دانشجو در طول عمر دانشجو بودنش چه کارهایی که نمی‌تونه بکنه.

مطالبه‌گری، کنشگری و کتاب‌خوانی

فعالیت‌های انجمن اسلامی مستقل  
از زمان تاسیس ۹۵ تا ۹۹:

۱) برگزاری حلقه‌های مطالعاتی

منظم در دانشکده‌های مختلف

۲) کنش‌گری‌های سیاسی، اجتماعی

و فرهنگی در قالب بیانیه، نامه و

مصاحبه

۳) مطالبه‌گری‌های سیاسی،

اجتماعی و اقتصادی در موضوعاتی

مثل CGT، ماده ۱۰۰، رویای مادری و ...

۴) برگزاری کارگاه‌های آموزش

عمومی و تخصصی جهت ارتقای

توانمندی اعضا

۵) انتشار بیش از ۵۰ شماره نشریه

عمومی و تخصصی

۶) برگزاری همایش‌های تخصصی

برای عضویت و یا مشاهده صفحه‌ی ما در اینستاگرام و پیام‌رسان بله، روی لوگوی هر کدام کلیک کنید



### هیئت تحریریه:

فاطمه کدخدارستم، مژده فرماني،  
انوشه رجبی و عرفان سعادتى

### صفحه‌آرا:

سید مجتبی هاشمی

### صاحب امتیاز:

انجمن اسلامی دانشجویان مستقل  
دانشگاه علامه طباطبائی

### مدیر مسئول و سردبیر:

علیرضا بهرامی

### ویراستار:

سید محمد مهدی سیدی

شماره  
سی ام  
هفته اول  
آبان ماه ۹۹

ورودی نامه